

هو المحبوب

سال دوم و تداوم راه

با هر تمهیدی بود «مجله استعدادهای درخشان» قدم به سال دوم نهاد و آنچه در دستهای شما قرار دارد گام اول برداشته شده برای سال دوم است، که امیدواریم همانگونه که در مقدمه بخش نامه‌ها اشاره شده است بتواند با وجود مخاطبین متنوع راه اصولی خویش را طی نماید.

عزیزان ما، حرفهای شما، درخواستهای شما، انتقادات شما، آنچه که با پشتوانه‌ای از منطق و روند مجله همراه باشد از نظر ما دور داشته نمی‌شود، اینکه به روال دیگر نشریات در زیر نامه پاسخی نمی‌یابید، بدین دلیل است که ما میل داریم پاسخ را آنجا که مرتبط با مجله است در اجرا ارائه کنیم و آنجا که مربوط به تشکیلات سازمان است در سیاستگذاری. لذا درخواست می‌شود اگر محبت ارسال نامه‌ای برای ما در وجودتان شعله‌ور شد نیم نگاهی نیز به آنچه دیگران نوشته‌اند بیندازید و از تکرار درخواست فاصله بگیرید.

خبرغم انگیز کشته شدن دکتر «مسعود مسترشدی» در شب پنجم فروردین ۷۲ برای ما بسیار معنی‌دار است. «مسترشدی» در سال ۴۷ در شهر بجنورد بدنیا آمد، سربازی‌اش را همراه با لشکر ۷۷ در جبهه گذراند و بعلت تعطیلی دانشگاهها عازم آمریکا شد. در سال ۶۸ در دانشگاه اکلاهما با رتبه اول مقطع کارشناسی را گذراند و برای دوره‌های بعد بورسیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی شد، در سال ۷۰ مجدداً با رتبه اول کارشناسی ارشد را در رشته «هوا - فضا» طی کرد و بلافاصله وارد مقطع دکتری شد. که همزمان تدریس هم می‌نمود. او که دکترای خود را در دانشگاه آمریکایی «سین سیناتی» در رشته «مهندسی فضایی» با موفقیتی چشمگیر به پایان رسانده بود قصد داشت به میهن اسلامی بازگردد و اصرار آمریکایی‌ها بر تغییر رشته و نپذیرفتن او و رد صریح پیشنهاد اقامت دائمی در آمریکا از عناصر معنی داری هستند که نمی‌توان علت فوت او را خودکشی دانست. بخصوص که این مرگ بر اثر شلیک ۳ گلوله به قفسه سینه صورت گرفته باشد. برابر نامه‌های تسلیت واصله از اساتید آمریکایی، «مسترشدی» در پروژه‌هایی مرتبط با «ناسا» (NASA) و نیروی هوایی آمریکا با این اساتید همکاری فعال داشته است. خانواده او منتظر بودند در تعطیلات نوروزی جشن ازدواجش را برپا دارند که خبر دادند: منتظر «مسعود» نباشید او نمی‌آید.

همه ساله هفته «معلم» در بهار، یادآور طراوت و رستن و شکوفایی است. هر چند در اردیبهشت ۵۸ «سروی» از سروستان انقلاب با همه بی‌همتایی‌اش بدست کوردلان فروافتاد ولی این فروافتادن پسا خاستن هزاران دیگر را بدنبال داشت. این اولین گلوله‌ای بود که پس از انقلاب، مزدوران آمریکا به مغز متفکری اسلامشناس، عارفی وارسته و اندیشمندی گرانقدر، «استاد شهید مطهری» شلیک کردند. او در واقع معنی عینی

فرمایش امام راحل در مسیر معلمی بود که فرمود: «معلمی شغل انبیاء است.» معلم شهید ما مظهر یک رهرو صادق پیامبران الهی بود که «آموزش» را در «ترس زدایی» و «رعب زدایی» می‌دید. انبیاء دلهره ستیز با شیطانهای عصر خویش را از قلب پیروان خود می‌زدودند. معلم اول تاریخ معاصر، امام عزیزمان والاترین مصداق این «ترس زدایی» است. او از قبیله «مرعوب شدگان غرب» نبود و با انتقال باور الهی خویش یوغ این بندگی را از گردن ملت خود برداشت. و «مطهری» نمونه کامل شاگردی صادق در مکتب الهی این امام، و معلمی گرانقدر برای آنان که «معلمی» را شغل انبیاء می‌دانند و آنرا با «سواد آموزی» مخلوط نمی‌کنند، شد.

اگر غرب را دلهره‌ای از خیلی کسان نیست، و اگر آنها را کاری به کارشان ندارد بدین دلیل است که انسانهای «مرعوب» خود با پای خویش در میان دستهای او قرار دارند. ایران اسلامی به علت سالها سلطه مزدوران بیگانه و تحمل جنگ و خرابیها آنچنان با تکنولوژی پیشرفته فاصله دارد که طی طریق در این مسیر و کشف پیچیدگیهای آن به شجاعتی همانند آنچه در ۲۲ بهمن ۵۷ وجود داشت، نیازمند است. مگر «مسترشده» در زمینه «مهندسی فضایی» در کوتاه مدت با توجه به پیشرفتهای حیرت انگیز علمی برای ما چه می‌توانست انجام دهد؟ ولی دشمن می‌داند وقتی بندهای «اسارت فکری» گسسته باشد، آنانکه به فرادهای دورتر فکر می‌کنند، شیشه عمر حاکمیتشان را خواهند شکست. به همین دلیل است که در اولین گام، شیطان بزرگ «جان» می‌گیرد. ولی قطعاً وقتی ملتی مصمم را در پیش روی خود دید، «طبس» علمی را تجربه خواهد کرد.

پس معلمانی در مسیر انبیاء هستند که «رعب زدایی» از غول فکری حاکم بر جهان، محور آموزشهایشان باشد و سازندگان «خدا دوستانی» باشند که با تکیه بر او، بندهای «رعب زدگی» را که عمیق تر از «غرب زدگی» است، پاره کرد باشند، و گرنه بیهوده نیندیشند که کاری الهی می‌کنند.

مدیر مسئول

